



توصیه‌های میرزا جواد آقا ملکی تبریزی برای «دحوالارض»

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در اهمیت «دحوالارض» می‌گوید: زمانی که تو در موهبت‌هایی که مالک دنیا و آخرت به زمین عطا کرده است، تأمل کنی و حقیقت آن را بشناسی، به حیرت افزوده می‌شود.

به مناسبت 25 ذی‌القعدة، روز گسترش زمین

توصیه‌های میرزا جواد آقا ملکی تبریزی برای 171#& دحوالارض؛

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در اهمیت 171#& دحوالارض؛ می‌گوید: زمانی که تو در موهبت‌هایی که مالک دنیا و آخرت به زمین عطا کرده است، تأمل کنی و حقیقت آن را بشناسی، به حیرت افزوده می‌شود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از عارفان و سالکان حقیقی طریق الهی و صاحب کتاب 171#& المراقبات؛ در خصوص آداب روز دحوالارض و گرامی‌داشت این روز توصیه‌هایی را ذکر کرده است که مشروح آن در پی می‌آید:

عمده عمل در ماه ذی‌القعدة، دانستن انعام و احسان خداوند در این ماه به بشر است در روز دحوالارض، زیرا علم به نعمت و مقدار آن هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، اولین مراتب شکر آن نعمت است؛ چنانچه هم در نص وارد شده و هم در 171#& علم السر؛ واضح شده و در اخباری فراوانی وارد شده که: روز روز بیست و پنجم ذی‌القعدة، خانه کعبه برقرار شد و زمین در زیر آن کشیده شد. در آن آدم به زمین فرود آمد و حضرت ابراهیم خلیل یا حضرت عیسی (ع) متولد شد و رحمت الهی انتشار یافت.

از امیرالمومنین (ع) روایت شده است: نخستین رحمتی که از آسمان به زمین فرود آمد، روز بیست و پنجم ذی‌القعدة بود. هر کس در این روز روزه بگیرد، و شب نماز بخواند، برایش پاداش صد سال عبادت داده می‌شود که روزه‌هایش را روزه‌دار و شب‌هایش را بیدار مانده است و هر گروهی که در این روز جمع شده و پروردگارش را ذکر بگویند، متفرق نمی‌شوند، تا حجت‌شان برآورده شود. در این روز، هزار هزار رحمت نازل گردد که 99 درصد آن، بخشش روزه‌داران این روز و قائمین آن در شب است.

و روایت شده که آن حضرت، در این روز به هنگام ظهر دو رکعت نماز می‌خواند: در هر رکعت یکبار حمد و پنج بار 171#& والشمس و ضحیها؛ و پس از سلام می‌گفت: 171#& لا حول و لا قوة الا بالله العظیم؛ و دعا می‌کرد و می‌فرمود: یا مقبل العثرات اقلنی عثرتی، یا مجیب الدعوات أجب دعوتی یا سامع الاصوات إسمع صوتی و ارحمنی و تجاوز عن سیئاتی و ما عندی یا ذالجلال و الاکرام.

مستحب است در این روز، دعایی را که روایت شده است بخواند که اول آن 171#& یا داحی الکعبة؛ است.

معرفت نصب کعبه و دحوالارض:

بدان که این نعمت دارای صورت و حقیقتی است. اما صورت آن در 171#& الاقبال؛ مورد اشاره قرار گرفته که خداوند تبارک و تعالی - در این روز زمین را برای سکونت بنی آدم و زندگی وی بنا کرد و زمین و هر چه از نعمت‌ها که در آن است حتی بدن‌ها و رزق‌های ما، همگی از چیزهائی است که در این روز از رحمت حق انتشار یافته. پس هر نعمتی در دنیا به حسب جنس و نوع و صنفش که احدی را توان شمردن آن نیست، نازل شده، در این روز بوده پس بر بنده لازم است که مراقب مولای خود باشد، برای ازدیاد شکر نعمت‌های او، به اینکه تا هر آنجا که فطانت او راه می‌دهد، به نعمت‌های بزرگ او و آنچه که به خلق زمین و محتویات آن انعام کرده، بیندیشد که خداوند متعال چه نعمت‌هایی به او تفضل داشته و آن نعمت‌ها از فرط لطف، چنان است که علم بنده به آن نمی‌رسد.

هر کس بخواهد به صحت این گفتار پی ببرد، به علم التشریح مراجعه و تألیفات اخیر عالمان غرب و عکس تشریح اعضا را ببیند و در آن عکس‌ها، یک یک عضوها را با رنگ‌های جدا جدا ببیند. چه در آنها، رگ‌ها و اعصاب نازکی وجود دارد و یا بدون واسطه نیز به سبب آنها اثراتی در صحت مزاج وجود دارد که بخش محسوس آنها از چند میلیون هم بیشتر است و از همان می‌تواند پی ببرد که غیرمحسوس بیشتر از محسوس است.

اینها همه، تنها یک صنف از نعمت‌های بدنی است و صنف‌های دیگر نیز دارد که شاید از حیث تعداد بیشتر و از حیث اعجاب‌انگیزی شگفت‌آورتر نیز باشد، از آن جمله است، قوای غیر مرئی که در اجزای بدن، به احداث، تحریک، تصویر، تغذیه، رشد، هضم، دفع و غیر آن مشغول بوده و دارای عمل و فعالیت و ضرورت‌های تأثیر خارجه از جمله آن‌هاست، کلیات عوالم ملکوت این قوا و پائین‌تر است، از

سپاهیان حق و سیاست کننده آنها در تأثیرات و تأثیرات آنها در عملها و نتایج تقدیر شده با کم و کیفیت خاص خود، با اختلاف زمانها و مکانها و واردات داخلی منبعث شده که از حرکت‌های داخلی و مزاجی و اخلاقی و طبیعی و کسبی و خارجی که تعداد جنس و نوع و صنف‌های آن را کسی جز خداوند یا هر کس که او از علم خود به او یاد داده و تفویض نموده باشد، علم آگاهی ندارد، چه رسد به شمارش افراد آن!

و اگر کسی کیفیت ارتباط بعضی از عوالم به بعضی دیگر را بداند، برای او روشن می‌شود که همه عوالم، در کمال صحت و سلامت هر عضو از اعضای بدن، و بالاتر از این: از اجزای عضو، دخالت دارند. پس برایش مبرهن می‌شود که خداوند متعال در یک نعمت جزئی، به تو بی‌شمار نعمت داده.

سپس، زمانی که بخواهد که در نعمت‌های خارجی از غذاها و آب‌ها و پوشاک‌ها و هر آنچه اعضای بدن و حواس ظاهر و باطن می‌تواند تصرف کند، فکر کند، بنا به فرموده خداوند متعال: ﴿وَإِنْ تَعَذُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾؛ و فرموده دیگرش: ﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾؛ به حقیقت ایمان خواهد آورد.

و از جمله جزئیات آنچه انسان از عوالم، به سبب خیالش در آنها تصرف می‌کند، عالم مثال و وسعت آن است که از توان احصای تمام انسان‌ها بیرون است، چه رسد به آنچه در آن، با عقل خود تصرف می‌نماید که به تمام این عوالم محیط است.

ای بینوا و ای غافل، کجایی، از اینکه به تفصیل تنها یک امر از امورات و تنها یک عالم از عوالمی که عقلت در آن قادر به تصرف است، احاطه پیدا کنی؟ پس به امر خودت بنگر و عقل را قاضی قرار بده که در شکر این نعمت‌ها، چه چیزی به تو واجب است؟ پس از آن در تصویر انتشار ظاهر نعمت‌هایی که خالق زمین به سبب ﴿دحوالارض﴾؛ موهبت کرده، تأمل کن. و زمانی که تو در موهبت‌هایی که مالک دنیا و آخرت به زمین عطا کرده تأمل و حقیقت آن را بشناسی، به حیرت افزوده می‌شود.

پس میان آنچه در عالم برزخ و قیامت از نعمت‌های باقی که زوال ندارند و میان آن و میان نعمت‌های دنیا که خداوند از زمان خلقت نظری به آن نینداخته و از آن به بندگان رضا نداشته، نسبتی وجود ندارد و دنیا، خانه ثواب نیست واصل آن، از آن دنیا است.

پس عارف مراقبه کننده، نسبت به ﴿دحوالارض﴾؛ در برابر تمام این نعمت‌ها، شکری را برخود واجب دیده و در این حال، از اعماق قلب خود معتقد می‌شود که برای ادای حق هیچ امر حقیری، قادر نیست، هر چند که از تمام عبادت کنندگان و شکر کنندگان کمک بخواهد و آنها همه تا ابد مشغول شکرگذاری شوند، نه از این رو که شکر و سپاس آنها از نعمت‌های خداوند متعال است و آن خود مقتضی شکری دیگر، بلکه به جهت زیادت و عظمت و لطف آن نعمت‌ها که قادر به آن نیست.

زمانی که بنده به این معارف دست پیدا کند، از مراتب نعمت‌های خداوند متعال، به حقیقت عجز و قصور و تقصیر خود از شکر خداوند بصیرت پیدا کرده و شرم می‌کند که تلاش خودش را ﴿شکر﴾؛ محسوب کند و قدر منت خداوند متعال به خود را در قبول این مقدار اندک و بی‌مقدار از شکر در برابر این همه نعمت و شکر خداوند برای این شکر دانسته و گوشه‌ای از معنای اسم ﴿شکور﴾؛ را خواهد شناخت، چرا که حصول شناخت به کنه اسمای خداوند متعال محال است.